



سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۸۳۳
www.hammihanonline.ir



مرزبندی بر سر میهن

گفتاری از علیرضا ربانی

درباره واکنش نیروهای سیاسی به جنگ اخیر



گزارش ورزش

۱۶

بازگشت نارنجی قدیمی

درباره باشگاه برق شیراز

که قرار است با مالکان جدید پس از سال‌ها احیا شود



پیامد مکانیسم ماشه بر اقتصاد

گفت‌وگو با حمید قنبری

مدیرکل سابق بین‌الملل بانک مرکزی



۳۰۰ پرسنل بیمارستان فارابی موجی شدند

درباره وضعیت تنها بیمارستان اعصاب و روان کرمانشاه پس از حمله اسرائیل

تحلیل
دیپلماسی
۶۰۷

فرجام آتش بس:

توافق

یا جنگی دیگر؟

تحلیلی از

مجید محمدشریفی

استاد دانشگاه خوارزمی

درباره سناریوهای

پیش روی ایران و غرب

پس از جنگ ۱۲ روزه

سرمقاله

دست‌آورد مهم

مذاکرات مسقط

تقریباً به نوعی اتفاق نظر وجود دارد هنگامی که ایالات متحده آمریکا و شخص ترامپ پیشنهاد گفت‌وگوهای مسقط را دادند از همان زمان می‌دانستند که دنبال نتیجه‌گیری نیستند فقط می‌خواهند گفته باشند که دنبال گفت‌وگو هستند تا در صورت عدم پذیرش ایران را از نظر سیاسی در موضع ضعف قرار دهند. آنان می‌دانستند که اسرائیل دنبال چیست و به احتمال فراوان پیشاپیش طرح حمله اسرائیل را تأیید کرده بودند. تعیین زمان ۶۰ روز هم متناسب با آماده‌سازی اسرائیل برای آغاز تجاوز به ایران بوده است. شاید به همین علت هم مذاکرات را برخلاف ده سال پیش با فاصله زیاد و زمان گفت‌وگوی کوتاه برگزار می‌کردند و در طول مذاکرات هم حرف‌های متناقض و متضاد زیاد می‌گفتند. بعلاوه و برخلاف مواضع اولیه ترامپ، با غیر مستقیم بودن مذاکرات هم مخالفتی نکردند چون هم زمان کمتری برای گفت‌وگو صرف می‌شد و هم از دقت مذاکرات به علت تغییرات محتوای پیام‌ها از سوی واسطه (گویا محتوای سخنان دو طرف را تا حدی گرد می‌کرده تا اختلاف کمتر و زودتر منجر به نتیجه شود!!) عملاً گفت‌وگوها بی‌فایده بوده است. بنابراین پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا باید در مذاکراتی که هیچ دستاوردی ندارد و صوری بوده دوباره شرکت کنیم؟ پاسخ به این پرسش، کلید فهم اهمیت گفت‌وگوی سیاسی و بین‌المللی ایران است. فرض کنیم تحلیل مزبور درست است. فرض کنیم از طریق دستیابی به اطلاعات دقیق و قطعی می‌دانستیم و یقین داشتیم که آنان دنبال گفت‌وگوی واقعی نیستند. در این صورت چه کار باید می‌کردیم؟ طبعاً بهترین کار حضور در گفت‌وگوها بود. چرا؟ اول این که اگر گفت‌وگو را رد می‌کردیم، دیگران که نمی‌دانستند طرف مقابل ما دنبال بازی هستند، طبعاً به لحاظ سیاسی حق را به آنان می‌دادند و ما را به علت گریز از گفت‌وگو محکوم می‌کردند. حتی مردم خودمان هم چنین فضائونی می‌کردند. در این صورت اقدام تجاوزکارانه آغازگر جنگ را عملی معقول و مشروع یا گریزناپذیر می‌دانستند، و بدترین نتیجه آن عدم همراهی بخش مهمی از مردم با جنگ بود. رفتاری که مردم ایران پس از جنگ کردند بیش از هر چیز ناشی از حضور در مذاکرات بود که در میانه آن روی میز مذاکرات موشک زدند. اگر ایران در این مذاکرات حاضر نمی‌شد قطعاً مردم خودمان و طبعاً جهان ما را هم در بروز این جنگ بدون مسئولیت نمی‌دانستند در حالی که اکنون طرف مقابل را محکوم و تخطئه می‌کنند. حالا فرض کنیم ایران با علم به صوری بودن مذاکرات یا هر دلیل دیگر میز گفت‌وگو را ترک می‌کرد، در این صورت چه کاری می‌توانست انجام دهد که با حضور در مذاکرات انجام نداد؟

بررسی اظهارات محمدجواد ظریف درباره بسترها و ریشه‌های حمله اسرائیل به ایران

بفهمیم نفوذ از کجاست

عبدالرضا فرجی‌راد استاد ژئوپلیتیک دانشگاه و سفیر سابق ایران در نروژ و مجارستان

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس دهم

اینکه طرف مقابل درخواست آتش بس کرده به این معنی نیست که ما دیپلماسی را رها و جنگی دیگر راه خود تحمیل کنیم و خسارت‌هایی دیگر ببینیم. به هر نحوی که می‌شود، باید وارد گفت‌وگو شویم و از جنگی دیگر پرهیز کنیم. با دست برتری می‌توان وارد دیپلماسی شد. این‌هایی که در حال حاضر از جنگ صحبت می‌کنند، مسئله‌شان جنگ و دشمن نیست. مسئله‌شان سیاسی است. یک سال قبل در کشور انتخاباتی انجام شد، یک نفر باخت و یک نفر دیگر پیروز شد. این جنگ ۱۲ روزه فرصتی برای آن‌ها فراهم کرد که بتوانند حرف بزنند. طرف می‌خواهد جایگاه سیاسی که از دست داده را در این شرایط به دست بیاورد و اگر هم شد، رئیس جمهوری که به او باخته را تضعیف کند، اگر توانست او را به زیر بکشد و آن قدرت را به دست بیاورد. این صحبت‌هایی که می‌کنند، ارتباطی به مسئله جنگ، پرونده هسته‌ای و موارد مشابه ندارد.

بخشی از نفوذ در حوزه عملی و اداره کشور بوده است. اما من معتقدم بخشی از نفوذ در حوزه دیپلماسی عمومی کشور صورت می‌گیرد. اسرائیلی‌ها در سراسر دنیا اقدامات مختلفی انجام می‌دهند ولی معمولاً مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرند ولی افراد متعددی در ایران تهدید به اقداماتی می‌کنند که هیچ وقت در دستور کار کشور نبوده است و این اقدام آن‌ها بهانه لازم را برای «تهدیدنمایی» ایران به دست دشمنان می‌دهد. اخیراً نمونه این اقدام را در تهدید کشورهای اروپایی و اقدام به ترور و... می‌بینیم. لذا بخشی از نفوذ در حوزه دیپلماسی عمومی است و من معتقدم با یک تحلیل محتوا مشخص می‌شود بسیاری از پالس‌ها و سیگنال‌های تهدیدنمایی ایران در برخی از رسانه‌ها داده می‌شود. یعنی افرادی ایران را به عنوان تهدید معرفی و ناخواسته در زمین نتانیاهو بازی می‌کنند.



تکس: Gettyimages

سخنرانی هشدارآمیز امانوئل مکرون درباره وضعیت امنیت و ارزش‌های اروپایی در روز ملی فرانسه

آزادی و دموکراسی هیچ‌گاه چنین در معرض تهدید نبود

قطعتاً است. پس از آنکه مکرون در سخنرانی خود روز یکشنبه از افزایش بودجه دفاعی برای مقابله با تهدیدهای «جهانی وحشیانه‌تر» خبر داد، رژه روز ملی فرانسه نمایشی بود از سربازان زن و مرد «آماده به خدمت». ارتش فرانسه می‌خواست تا «اعتبار عملیاتی» و «همبستگی استراتژیک» با شرکایش را به نمایش بگذارد. به گزارش لوموند، پاریس قصد دارد تا در صورت نیاز بریگاد «آماده به جنگ» خود که شامل ۷ هزار نیرو با مهمات و تجهیزات کامل است در عرض ۱۰ روز اعزام کند. مکرون در سخنرانی خود با اعلام اینکه آزادی در اروپا نسبت به هر زمان دیگری از زمان پایان جنگ جهانی دوم با تهدید بزرگتری روبه‌رو شده، از افزایش ۶/۵ میلیارد یورویی بودجه نظامی فرانسه خبر داد. او گفت: «از آنجا که ملت با همه این تهدیدهای ترکیبی با این شتاب تاریخی روبه‌رو است، دیگر هیچ جبهه مشخصی وجود ندارد و درگیری‌ها چندوجهی هستند و به عمق نیاز دارند؛ آنها مستلزم تقویت توانایی‌های ما، نقاط قوت ما و ملت ما به عنوان یک کل هستند.»

در این سفر بتواند قراردادهایی برای خرید تجهیزات نظامی فرانسه از جمله جنگنده‌های اف‌۱۸ را به سرانجام برساند. سربازان فنلاندی، بلژیکی و لوکزامبورگی هم در این رژه شرکت کردند که ماهیت بین‌المللی این رخداد را نشان می‌دهد. مهمانان ویژه شامل فوسنوسامبا سی‌سه، مرد فرانسوی است که پس از نجات دو نوزاد از آیرتمانی که در آتش می‌سوزت، شخصاً از سوی مکرون دعوت شده بود. در این مراسم جوایز معتبری نیز اهدا شد و جیزل پلیکات که در جریان برگزاری دادگاهش به سسمیلی از قربانیان خشونت جنسی تبدیل شده بود لژیون افتخار را دریافت کرد. فراتر از پاریس، تعطیلات جشن روز ملی فرانسه با دورهمی‌های خانوادگی و فستیوال‌های محلی در سراسر فرانسه همراه بود. رژه جشن روز ملی که به گفته ژنرال لوتیک میزون، فرمانده نظامی پاریس با عنوان «عملیات واقعی نظامی» سازماندهی شده بود، بازتابی از جدی بودن تهدیدها به امنیت قاره اروپا را در دل خود داشت. پشت نمایش نظامی پاریس افزایش نگرانی‌ها در جهانی بدون عدم

هر سال در ۱۴ ژوئیه فرانسه آزادی زندان باستیل به دست انقلابیون در سال ۱۷۸۹ را جشن می‌گیرد. در جریان این مراسم ۷ هزار شرکت‌کننده از جمله سربازان و خودروهای نظامی در امتداد خیابان شان‌لریزه با جت‌های جنگنده با دودهایی به سه رنگ قرمز، سفید و آبی به رنگ پرچم فرانسه همراهی می‌شوند و رقص نوچ خیره‌کننده پهپادها بر فراز برج ایفل به نمایش گذاشته می‌شود. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در سخنرانی خود با تأکید بر اینکه «آزادی قاره اروپا و دموکراسی آن هیچ‌گاه تا این اندازه در معرض تهدید نبوده است» تهدیدهای فزاینده جهانی را برجسته کرد و از افزایش بودجه نظامی خبر داد. مهمان افتخاری مراسم امسال پروپاا سوویاتو، رئیس‌جمهور اندونزی بود و ۲۰۰ نفر از طیل‌زنان اندونزیایی در این رژه شرکت کردند. به گزارش الجزیره انتظار می‌رود سوویاتو



یاسمن طاهریان گزارشگر گروه بین‌الملل